

فصل هشتم

ایبورد یا ابوالورد شیراز

آنچه را که نوشته شد تاریخچه نسبتاً جامعی بود از محل اصلی و مرد خیز و دانشمندپرور (باورد و نسا) که پس از استیلای اعراب نام باورد معرب به ایبورد معروف شده و در شمال خراسان قرار دارد و بطوریکه قبلاً ذکر شد حالیه قسمت عمده آن بنام درگز نامیده میشود و قسمت دیگر منحصرأً قریه کوچکی با جمعیتی قلیل در منطقه قهقهه خاک شوروی و نقطه مرزی بین ایران و روسیه واقع شده ایبورد نام دارد و مسلماً ایل ایبوردی هم از ایلاتی است که از ترکستان به ایران آمده اند و در این منطقه سکونت داشته اند و در اینکه ندرقلی (نادر) فرزند امامقلی از تیره قرقلوی افشار متولد قریه دستگرد از خانواده هائی بوده که جوانان آنجا بکار کشاورزی می پرداختند و پیرمردان و پیرزنان به پوستین دوزی و بافتن عرقچین و جاجیم و قالیچه و تافته و چوچونچه و جوراب و فروش آن در بازارهای مرو و مشهد و نیشابور اشتغال داشته و با این ترتیب فقر مالی خود را جبران مینموده اند. تردیدی نیست و از طرفی هم از آنجا ئیکه این مرد بزرگ و نابغه تاریخ که سری پرشور داشته و برای رسیدن به آرزوی قلبی خود که همانا احراز مقامی در سطح بالا و خیلی عالی و شاید هم از ابتدا همان تصاحب تاج و تخت شاهنشاهی ایران بوده از هر نیرو و موقعیتی استفاده مینمود و قدرت و مشیت لایزال الهی هم گام بگام او را مدد و یاری میکرده قولی است که صفحات تاریخ و عموماً آنرا تأیید مینماید و بنابراین و اینکه مورخین و محققین معتقد هستند که چون نادرقلی در دفع دشمنان «بابا علی بیگ» کوسه احمدلوی افشار حاکم ایبورد که از ازبکان بوده اند نقش مهمی ایفا نموده و بالنتیجه طرف توجه باباعلی بیگ واقع و قرب و منزلتی بدست میآورد و این قرب و منزلت بجائی میرسد که باباعلی بیگ دو دختر خود گل نسا و گوهرشاد را یکی بعد از دیگری بعقد ازدواج او در میآورد و همین تقرب موجب میشود که نفوذ و قدرت «باباعلی بیگ» و بستگان او توأم با نبوغ نادر طوری هموار و مستعد میسازد که بتواند عامل فتوحات عظیمی از قبیل راندن محمود و اشرف افغان و فتح قندهار و عثمانی و از همه بالاتر تسخیر هندوستان و منکوب ساختن دشمنان داخلی بوده باشد و به مرتبه ای برسد که مقام رفیع شاهنشاهی ایران را احراز و ایران ویران شده و مفلوک دوران شاه سلطان حسینی را به یکی از بزرگترین امپراطوریهای جهان تبدیل سازد در آن هیچگونه شک و تردیده نباید داشت و اما چگونه و چه موقع و در چه زمان ایل اینانلو و ایبوردی به فارس و شیراز آمده اند و از چه تاریخ قسمتی از این ایل در محل فعلی یعنی شمال شیراز (ایبورد یا ابوالورد) مستقر شده مسکن گزیده اند مورد بحث فعلی ما خواهد بود.

قدرمسلم این است که قسمت اعظم سپاهیان که در جنگها و فتوحات همراه نادرشاه افشار بوده اند از سرداران و سربازان و سپاهیان افشار، کرد، ترکمن، قاجارو ازبک، متشکل بوده و افراد ایل ایبوردی هم که از ایلات افشار و بواسطه سکونت در منطقه باورد و نسا و شهر ایبورد و بر حسب معمول ایلات که با قتضای نام سران و یا محل زندگی و یا سایر مشخصات

دیگر مانند باباخانلو، صفی خانی، موصلو، بهمن بیگلو، اق قوینلو، شاهی سیوان، بختیاری، دره شوری، جعفر بیگلو نام گذاری میشده.

این ایل نیز به ایبوردی معروف گردیده در زمره سپاهیان نادر بوده اند. بنابراین باید با توجه به حسن تدبیر و سیاست و تاکتیک نظامی نادر چنین معتقد بود که این سپهسالار رشید و بالاخره شاهنشاه بزرگ و مدبر هر محلی را که بتصرف خود در میآورد و یاغیان و طاغیان و گردنکشان را مقهور و منکوب مینموده از نظر حفظ و استحکام موقعیت و نفوذ خود از وجود سرداران و لشکریان مورد اعتماد و اقربا و خویشاوندان خود استفاده مینمود و با این ترتیب میتوان احتمال صد در صد قریب به یقین داد که افراد رشید و سرداران نامی (ایبوردی) که هم نسبت خویشاوندی با نادر داشته اند و هم شجاعت و دلآوری دوش بدوش او همکاری نموده اند در این قبیل موارد مورد استفاده سیاست نادری قرار گرفته و بهمین جهت در موقع تعقیب و شکست و قتل اشرف افغان و از بین بردن محمد تقی خان و میرحسین بیگ داروغه حکام شیراز و عزل حاتم خان کرد بادلو فرد شایسته و رشید و لایقی بنام محمد علی بیگ قورت ایبوردی که ضمناً برادر زن نادر هم بوده و در اردو کشی ها و فتوحات نادر سهم بسزائی داشته از طرف نادر شاه به لقب قباخ قلیخانی مفتخر و بحکومت فارس منسوب و خود و ایل و تبارش مأمور حفظ نفوذ و قدرت او در منطقه فارس میشوند و علاوه بر منصب حکمرانی اداره ایلخانگیری ایل اینانلو هم ضمیمه و وظیفه او میگردد که بتواند در انجام مأموریت خود و اجرای وظایف فرمانروائی و حکمرانی از قدرت ایلی نیز استفاده کند. قباخ قلیخان والی فارس که ایلخان ایل اینانلو هم بوده طبعاً میبایستی در شهر شیراز مستقر بوده باشد و بدین سبب در خانه ای و در محله میدان شاه شیراز اقامت میگزید (۱۱۵۹ قمری).

آثار عجم تألیف مرحوم فرصت الدوله شیرازی در حاشیه کتاب خود در آنجائی که شرح جنگ با رضاخان عرب را میدهد چنین مینویسد: ایبوردی^۱ طایفه ای هستند که از خراسان آمده در فارس سکونت دارند شهر ایبورد معروف است و از ایران است.

از اسناد و قباله جات املاک خوانین بختیاری و کتیبه هائیکه در سنگهای قبرستان چهارمحال بختیاری دیده میشود از محال باغ ملک و چغاخور و گندمان^۲ و غیره متعلق به خوانین و افراد ایل ایبوردی بوده و چند پارچه ملک از جمله مزرعه چزغان واقعه در شلمزار ملک بیلاقی مرتضی قلیخان صمصام پدر سناتور جهانشاه خان بختیاری در بنچاق ملک نامبرده (فروشنده آقای حیدر آقای ایبوردی خریدار صیدمراد آسیوند بمبلغ دوازده ریال) در سنه ۱۱۵۰ معامله شده که یک تیره از ایبوردی معروف به چزغانی و یک تیره معروف به چغالو یا جواخوری و بنکوی دیگر به حمزه لی موسوم است که

۱- بطوریکه قبلاً گفتیم ایبوردی معرب شده «بارود» است و بعد از استیلای اعراب و چون اضافه شدن ابی و یا ابول که در واقع هر دو بمعنای پدر میباشد در این تغییر نام حال واحد دارند. لذا برای تلفظ ایبوردی و یا ابولورد هر یک بکار برده شود از نظر اصطلاحات عربی تفاوتی ندارد و گو اینکه اصولاً تغییر نام «بارود» از طرف تازیان کار صحیحی نبوده ولی بهتر این است که همان کلمه ایبوردی را بکار ببریم.

۲. بسال ۹۳۷ شاه طهماسب صفوی از هرات نهضت فرموده از راه طبس و رباط پشت بادام به یزد نزول اجلال و از آنجا به اصفهان و به بیلاق گندمان فارس نهضت فرموده و میانه امرای طوایف استاجلو، تکلو، ذوالقدر و افشار (قزلباشها) و سایر قبایل کار بمجادله و کشتار کشیده (نقل از فارسنامه ناصری) که یقیناً در آنموقع از افشار ایبوردی هم داخل مخصمه بوده اند. در سال ۹۱۰ هم منصور بیگ افشار از طرف شاه اسمعیل حاکم فارس بوده است که باز هم احتمالاً از ایبوردیها در معیت او جزو افراد ایل افشار همکاری داشته اند.

امامزاده حمزه در چغاخور زیارتگاه عمومی است که تابستان موقع مخصوص مرد و زن و خرد و کلان گروه گروه برای زیارت میروند. جای بسیار عالی و با صفائی است مزرعه کلبی بیگ که باسم مالک آن «کلبی بیک ایوردی» معروف شده چشمه «علی قره» که یورت تابستانه علی قره کاکاسیاه خوانین ایوردی بوده. در شهر کرد «ده کرد قدیم» کتیبه هائی در سنگها بنام ایوردی دیده میشود. آثار و علائم دیگری در بختیاری است که دلیل بر بزرگی و عظمت ایل ایوردی و خوانین با افتخار آن میباشد در کلیه بلوکات فارس هم مالک و دارای ثروت و اهمیت بوده اند. علاوه بر اینکه سالها قبل از دوران سلطنت «نادرشاه افشار» دارای اعتبار و عظمت و افتخار بوده اند و در بختیاری و فارس قدرت و نفوذ داشته اند. چهار هزار خانوار هم بنام «قورت لرکی» و «قورت دیندارلو» و «قورت رحیم شمشیری» و «قورت بکلو» از ایوردی و کلات نادری در زمان نادرشاه افشار^۱ در خدمت «قباق قلیخان» بفارس آمده اند.

قبلاً گفتیم که علیمرادخان بختیاری طغیان کرده بود که نادرشاه شخصاً او را مغلوب و مقتول نمود و چهار هزار از افراد بختیاری را هم بخدمت خود برگزید. باین موضوع باید اضافه کنیم که در همان موقع سه هزار خانوار بختیاری را جهت اقامت در خراسان کوچاند و همچنین اشاره شده بود که «نادر شاه» نجفقلی خان و سلطانعلی بیک ایوردی را مأمور قلع و قمع علیمرادخان نموده بود که هر دو نفر بعلت استحکام موقعیت اردوی علیمرادخان و تسلط آنها بواسطه استقرار در ارتفاع کوههای بختیاری به سپاهیان «ایوردی» در مأموریت خود توفیق حاصل نموده و بقتل رسیدند و اما از آنجائیکه طبق شواهد تاریخ معمول سلاطین گذشته این بوده است که ایلات مناطق متصرفی را بجاهای دیگر کوچ میدادند و بجای آنها ایلات دیگری را از جاهای دیگر میآوردند و مستقر میساختند این احتمال قریب به یقین بوجود می آید که نادرشاه موقعی که علیمرادخان بختیاری را منکوب و بقتل میرساند و سه هزار از خانوارهای بختیاری را به خراسان میفرستد بمنظور تثبیت قدرت محلی منطقه بختیاری عده ای از خانوارهای ایوردی وابسته به خود را هم در آنجا سکونت میدهد کمااینکه در فارس نیز همین اقدام را نموده است و فرضاً هم که از «ایل ایوردی» سوابق اسکان در بختیاری وجود داشته باشد و قبل از استیلای نادر آثاری از آنها بوده است. در هر حال در زمان نادر شاه نیز عده دیگری در آنجا سکونت داده شده (در مشهد مرغاب و بازارگاد) هم قریه ای بنام بولوردی وجود دارد که احتمالاً در آنجا نیز عده ای از ایل ایوردی از قدیم اسکان شده باشند و همچنین در ایل بوچاقچی کرمان هم تیره ای بنام بولوردی معروف و کوهی در حوالی «سیرجان» باین نام مشهور است.

فارسنامه ناصری تألیف حاج میرزا حسن حسینی فسائی چنین می نگارد: «ایل اینانلو از ایلات ترکستان^۲ میباشد که در زمان سلاطین مغول به فارس آمده اند بیشتر از اوقات چندین هزار لشکر از پیاده و سواره در خدمت سلاطین بوده اند قشلاق ایل اینانلو یعنی محل توقف زمستانه آنها بلوک خفر و داراب و فسا است و بیلاق آنها بلوک رامجرد و مرودشت است. ضابطی این طوایف از زمان سلاطین صفوی در سلسله خوانین ابوالوردی (ایوردی) بوده. جد اعلاى آنها محمدصالح آقای ابوالوردی در اواخر سلطنت صفوی بضابطی و حکومت ایل اینانلو منصوب شد. بعد از وفات او پسرش «عربشاه خان» بجای پدر بر قرار گردید و از اوایل دولت نادری تا اواخر سلطنت کریمخان زند بحکومت ایل اینانلو میپرداخت و بعد از

۱. سکه رواج زمان نادر اینطور بوده است: سکه برزرکرد نام سلطنت را در جهان نادر ایران زمین و خسرو گیتی ستان.

۲. احتمالاً در زمان میرزا ابراهیم پسر شاهرخ پسر تیمور (۸۱۷ هجری) که از اخلاف مغول بوده و در فارس حکومت داشته بهمهرا او ایل اینانلو در آنموقع در فارس بوده باشند.

وفات او پسرش حاج قهرمانخان، بجای پدر نشسته و در خدمت کریمخان زند احترامی بسزا داشت و چندین عمارت و خانه و حمام در محله اسحق بیگ شیراز احداث نموده و تاکنون حمام حاج قهرمانخان به آبادی باقی است و بعد از وفات او پسرش «عبدالرحیم خان» بضابطی ایل اینانلو برقرار گردید و در سال هزار و دویست و سی و اند وفات یافت و ضابطی ایل اینانلو چند سال به پسرش مهرعلیخان واگذار گردید و بعد از او ضابطی ایل اینانلو از این خانواده بیرون رفت. بهرام خان پسر عبدالرحیم خان چند سال بیاوری توپخانه مبارکه سرافراز بوده و مصطفی قلیخان شجاع الممالک پسر عباسقلی خان (یا عباس خان) باتمالقلیچ نوه حاج قهرمانخان ابوالوردی در توپخانه مبارکه بدرجه سرهنگی برقرار است و در جنگهای داخلی مخصوصاً در فتح قلعه تبر داراب شجاعت فوق العاده از خود ظاهر نمود مزید آبرو و اعتبار او گردید. کلانتر ایل اینانلو در هر وقت در طایفه ای بود مانند اینکه سالها رحیم خان قورت بکلانتری ایل اینانلو بر قرار بود چندین سال معصوم خان قورت بکلانتری ایل اینانلو بر قرار بود مدتی دیگر کلبعلی خان سر کلو (سلو کلو) بکلانتری ایل اینانلو بر قرار بود چندین سال عباسقلی خان پسر شاه نظر خان پسر رحیم خان قورت بکلانتری ایل اینانلو بر قرار بود. از سال هزار و دویست و نود و سه تاکنون باقرخان بلاغی بکلانتری ایل اینانلو بر قرار است و باقرخان ابا عنجداً مباشر ایل اینانلو بوده به این معنی که جزو جمع مالیات و عوارض دیوانی بعهدہ آنها بوده است.

شرح زیر از اطلاعات مرحوم فرج اله محمد آقائی که در مورد ایبوردی اطلاعی قابل توجه داشت نوشته میشود. اسامی تیره های ایل اینانلو که از ایلات ترکستان میباشد: ایبوردی، قورت لرکی، قورت دیندارلو، قورت رحیم شمشیری، بهارلو اسلاملو، افشاراوشاغی، قره قولاغ، چهارده چریک، بیات، سکز، دادبکلو، محمود بکلو، زرنند، چیان، بلاغی، رئیس بکلو، ایران شاهلو، دهو، دیندارلو، قوردبکلو، قره قره، چغالو، امیرحاجی لو، قلی زارلو، قره گوزلو، توللی، زنگنه، سرکلو، کرائی، ایران شاهی، گوک پر، باغمرلو.

توضیحاً آنکه ایلات اینانلو که در زمان سلاطین صفوی بلکه قبل از دوره سلاطین صفوی در بختیاری و چهارمحال اصفهان مالک و مقتدر بوده اند کتیبه هائی که در سنگهای مزار و نوشته و بنچاقها و قباجات ملکی در دست خوانین بختیاری و سایر مالکین چهار محال موجود است در اغلب از نقل و انتقالات فروشنده آن ایبوردی بوده است. یک قسمت عمده دیگر از ایبوردی که از ایبورد خراسان در زمان «نادرشاه افشار» از محل اصلی خود بفارس آمده اند از قرار زیر است: ایبوردی، قورت دیندارلو، قورت لرکی، قورت رحیم شمشیری، چیان، بلاغی، افشاراوشاغی چغالو.

شرح قضیه از اینقرار است «نادرشاه افشار» بعد از اینکه دارای اهمیت و اسم و رسم شد دختر بابا علی بیگ ایبوردی^۱ را بعقد ازدواج خود در آورد با قدرت و نفوذی که بابا علی بیگ در صفحات خراسان بواسطه مردان رشید که در ایل و فامیل خود داشت بر عظمت و آبرو و اقتدار نادرشاه افزود و پیشرفت نادرشاه بواسطه خویشاوندی باباعلی بیگ بود که محمد علی بیگ فرزند رشید بابا علی بیگ را که برادرزن نادرشاه و بلقب قباخ قلیخانی (بزبان ترکی پیش آهنگ) مفتخر بوده و سپهسالاری اردوی خود را بعهدہ مشارالیه برگزار فرموده در موقع حرکت اردو همیشه با شمشیر برهنه که در دست داشت سواره در جلوی نادرشاه در حرکت بود. نادرشاه با مراتب اطمینان و مراحم فوق العاده که نسبت به قباخ قلیخان داشت علاوه بر اینکه اغلب ایلات فارس را جزو جمع ایل ایبوردی نموده و استانداری فارس (والی) را بعهدہ قباخ

۱. مقبره باباعلی بیگ ایبوردی در مشهد و در نزدیکی پنجره فولاد حرم حضرت رضا (ع) میباشد.

قلیخان (۱۱۵۹ قمری) فرمود و کاملاً طرف توجه و مراحم ملوکانه قرار داده دارای ابهت و عظمت فوق العاده گردیده یکی از رجال مهم دربار نادر شاه و اغلب طرف مشاوره بوده در مواقع مهمه حتی وزرا برای رفع حوایج بمشاریه ملتجی و متوسل میشدند تا زمانیکه در جنگل مازندران از پشت درختان جنگلی تیری بسوی نادر شاه خالی شده اصابت نکرد نادرشاه نسبت به رضاقلی میرزا فرزند رشید خود ظنین شده و او را از هر دو چشم نابینا کرد. دشمنان قباخ قلیخان فرصت یافته ذهن نادر شاه را مشوب کرده گفتند شاهزاده رضاقلی میرزا (رضاقلی میرزا از گل نسا و نصراله میرزا و امامقلی میرزا از گوهرشاد) بدستور و تحریک قباخ قلیخان مرتکب چنین خیانتی شده است. نادر شاه در حضور جماعتی از سران و افسران کشور نسبت به قباخ قلیخان اظهار بدبینی کرده و فرمود بمحض اینکه او را دیدم اعدام کرده و دارائی او را مصادره و بین سایر اجزاء تقسیم میکنم. میرزا محمد علیخان فسائی^(۱) که منشی و پیشکار و مشاور قباخ قلیخان بوده^(۲) باو گفت با تصمیمی که نادرشاه گرفته با این کیفیت نمی توانید در ایران باشید صلاح و مصلحت شما در این است که طلاآلات و جواهرات و آنچه را که از وزن سبک و از قیمت سنگین است هر چه دارید برداشته و عیال و اولاد خودتان را حرکت داده من هم در رکاب مبارک هستم و حرکت میکنم از راه فسا به یکی از بنادر جنوب رفته از آنجا به هر یک از کشورها و ممالک خارجه که مقتضی شد میرویم که از مخاطره سخت و سخط و غضب نادری مصون باشیم. قباخ قلیخان با اطمینان و اعتمادی که به میرزا محمد علیخان منشی و پیشکار خود داشت عقیده او را پسندید و پیشنهادش را قبول نمود و عازم حرکت شدند به خویشان و بستگان خود هم در فسا دستور داد وسایل پذیرائی شاهانه به جهت ورود قباخ قلیخان فراهم سازند و استقبال گرم و شایان بعمل آورند در ورود آنها از لوازم احترام و پذیرائی فرو گذار نشد ولی میرزا محمد علیخان که میزبان و خود باصطلاح راهنما بود شب هنگام به اهالی فسا بطور محرمانه تلقین کرد که قباخ قلیخان از نادرشاه فرار کرده و میخواهد بخارج از ایران برود هر چه را همراه دارد غارت کنید و مطمئن باشید که انجام این خدمت موجب رضایت خاطر خطیر شاهانه یعنی نادرشاه افشار را فراهم خواهد کرد و مورد محبت معظم له خواهید شد و اهالی فسا دستور میرزا محمد علیخان را موبمو اجرا کرده آخر شب بمنزل قباخ قلیخان (محل سکونتش) ریخته هر چه داشت غارت کردند خود و عیال و اطفال او حیران و سرگردان و بلا تکلیف شده قباخ قلیخان از

۱- جامع و کامل بودن مندرجات فارسنامه ناصری را که بسعی و مجاهدت بی نظیر مرحوم حاج میرزا حسن حسینی فسائی تهیه و تدوین گردیده الحق نمیتوان ندیده گرفت ولی در مورد قباخ قلیخان و جریان حکومت او اشتباه مولف این بوده که از یادداشتهای غرض آلود میرزا محمد کلانتر که از پرداخت مالیات دیوانی استنکاف و سر پیچی داشته و مخصوصاً نسبت پرداخت مالیات میمند امتناع میورزیده و قباخ قلیخان بعلت این تمرد و بحکم وظیفه حکمرانی و وصول و ایصال مالیات دیوانی که داشته او را مطرود و مغضوب و احتمالاً چوبکاری نموده استفاده نموده است و چون با توجه باینکه در این یادداشتهای قلم در دست دشمن قرار داشته و آنچه را که میرزا محمد کلانتر درباره قباخ قلیخان یا بقول فارسنامه ناصری قیاقلی آقا که این خود اقوا دلیل قلب ماهیت و واقعیت و مبتنی بر اشتباه است نوشته و نسبت های ناروائی که بفردی خدمتگذار و میهن پرست داده صرفاً از روی خصومت و دشمنی بوده لذا یادداشتهای میرزا محمد کلانتر منعکس شده در فارسنامه را در اینجا نمیتوان مناط اعتبار دانست.

۲- در اینجا باز هم فارسنامه باستناد روزنامه میرزا محمد کلانتر نام میرزا محمد علیخان فسائی را اشتباهاً مهدی سروسرستانی مینویسد که چون نام میرزا محمد علیخان فسائی و همچنین نام صحیح قباخ قلیخان از مدارک و اسنادی که موجود نزد آقای فضل اله محرر نبیره و اولادزاده قباخ قلیخان میباشد اتخاذ شده و تاریخی که نزد مرحوم محمد صادقخان فرزند مرحوم علیقلی خان قورت ایبوردی نواده مرحوم قباخ قلیخان بوده آنرا تأیید مینماید لذا یقیناً معتبر تر خواهد بود.

ناجوانمردی منشی و پیشکار خود و همچنین از اینکه مورد بی مهری نادرشاه واقع شده ناراحت شده تعصب و غیرت دامنگیرش گردیده انتحار نمود (۱۱۶۰ هجری قمری) عیال و اطفال او بی یار و یاور میشوند بعد از مدتی که نادرشاه از کردار خود نادم و جمعی از رجال را کور میکند بحالت عیال و اولاد قباخ قلیخان رقت آورده و بجزبان گذشته ترحم میفرماید. محمد علیخان فسائی و اشخاصی را که عامل این خیانت بوده اند مورد سخط و غضب قرار داده هر قدر از قباخ قلیخان غارت کرده بودند گرفته به ورثه او تحویل میدهند و میرزا محمدغلیحان را هم بجرم این جنایت اعدام میکند و به اولاد و اعقاب قباخ قلیخان لازمه محبت را بجا می آورند.

گفتیم که نادر شاه را رسم چنین بود هر محلی را که تسخیر میکرد برای حفظ موقعیت و توسعه سیطره خود از وجود ایلات و افرادی استفاده مینمود که مورد وثوق و اعتمادش بودند و بهمین جهت هنگامی که اشرف افغان را از اصفهان و فارس راند و افغانها را تار و مار نمود به طوایفی از ایل افشار که از زمان صفویه هم در فارس سکونت داشتند مأموریت داد که حکومتهای برگزیده او را یاری و تقویت نمایند. ایلات ایبورد و اینانلو و بهارلو که از لحاظ نژاد و زبان و اصالت عشایری و ایلیاتی مشترک و قبلاً هم از جمله طوایف و افراد قزلباش بودند و در فتوحات نادری جزو سپاهیان او محسوب و در منکوب ساختن اشرف افغان و لشکرکشیهای هند و سایر بلاد و ممالک مقهوره نقش مؤثر و سهم بسزائی داشتند از جمله ایلات مورد اعتماد نادرشاه بودند و مخصوصاً ایل ایبوردی که بمناسبت خویشاوندی و بستگی باباعلی بیگ پدرزن او مورد توجه و نظر بود از اعتماد نادر بیشتر بر خوردار شده و حکومت فارس را بعهد قباخ قلیخان و بعد از او بعهد فتحعلی خان افشار (۱۱۶۲) و ایلخانگیری ایل اینانلو را بعهد محمد صالح آقای ایبوردی بر گذار نمود که این سمت حتی تا زمانهای اخیر بطور وراثت در این خاندان باقی بود نا گفته نماند که منطقه نفوذ و محل نیلاق و قشلاق ایلات اینانلو و بهارلو در حدود داراب و فسا و از سالها قبل باینطرف در آن نواحی اکثراً دارای علاقه ملکی و زراعت شده و از ۱۲۹۳ هجری قمری این طوایف جزو ایل خمسه و در تحت ریاست و در محدوده فرمانروائی قوامی ها در آمده اند و حکومت داراب و حومه شیراز و ایلات خمسه از طرف فرهادمیرزا معتمدالدوله والی ایالت فارس بعهد میرزا علی محمدخان قوام الملک تفویض گردیده است.

سر سلسله خاندان قوام از سال ۱۲۴۵ هجری قمری در زمان سلطنت خاقان منفور فتحعلی شاه قاجار و دوران حکومت شاهزاده حسینعلی میرزای فرمانفرما بنام میرزا علی اکبر کلانتر شیراز بلقب قوام الملکی^(۱) سر افراز و سمت بیگلربیگی

۱. معروف است که جد اعلائی قوامی ها همان حاج قوام الدین معاصر خواجه حافظ شیرازی بوده که وی درباره اش این بیت "دریای اخضر و فلک و کشتی هلال هستند غرق نعمت حاجی قوام ما" را در غزل "ساقی بنورباده بر افروز جام ما مطرب بگو که کار جهان شد بکام ما" سروده است. نواده او حاج محمد علی پسرش حاج محمود و پسر حاج محمود حاج هاشم سر سلسله خاندان قوام بوده. پسران حاج هاشم حاج ابوطالب، عبدالرحیم خان، حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله، آقا محمد زمان و محمدعلی خان. پسران حاج طالب حاج محمود، هادی خان و مهدی خان. پسر حاج محمود حاج میرزا ابوطالب پسرش میرزا محمود و پسر میرزا محمود میرزا علی مستوفی. پسر هادی خان ابوالفتح خان، پسر مهدی خان آقا محمد کدخداباشی مشهور به لاله، پسر عبدالرحیم خان حسن خان طایر، پسر حاج ابراهیم خان میرزا محمدخان بیگلربیگی و حاجی اسداله خان که حاکم بروجرد و لرستان بود و حاج میرزا علی رضا و حاج میرزا علی اکبرخان قوام الملک (۱۲۴۵) و فتح اله خان. پسران حاج اسداله خان محمد اسماعیل خان، حاج نصراله خان، حاج حسینعلی خان، مصطفی قلیخان و هدایت خان (درویش خان). پسران محمد اسماعیل خان عبدالرحیم خان و محمد قلیخان. پسران عبدالرحیم خان خان بابا خان، حاج حبیب اله خان و هدایت اله خان.

(بقیه پاورقی در صفحه بعد)

فارس را داشته و از آن به بعد فرزند ارشد هر یک از قوام الملکها ملقب به نصرالدوله بوده که بعد از درگذشت و فوت پدر با احراز مقام بیگلربیگی بر حسب ارث به لقب قوام الملکی نیز ملقب و جانشین او میشده اند و میرزا علی محمدخان قوام و اعقاب او از نیروی ایلات خمسه در تحکیم قدرت و نفوذ و انجام وظایف بیگلربیگی استفاده مینموده اند. در اینجا چون سخن باینجا منتهی شد ضروری میدانم که برای روشن شدن هر چه بیشتر ذهن خوانندگان عزیز اشاره مختصری هم به ایلات خمسه و اسامی رؤسا و طوایف آن که از مجموع ایلات اینانلو و بهارلو و عرب و باصری و نفر تشکیل شده بشود.

ایل اینانلو: از ایلات ترکستان و از زمان سلاطین مغول بفارس آمده اند بطوریکه گفته شد از سالها باینطرف و مخصوصاً اواخر سلسله صفویه و اوایل سلطنت نادرشاه افشار و دوران سلصنت کریمخان زند ضابطی این ایل بعهدده خوانین ابیوردی بود، و در عصر حاضر با ابوالقاسم خان و پسرش مختارخان ارجمند بود. تیره های اینانلو عبارتند از اسلاملو، افشاراوشاگی، امیر حاجی لو، ایران شاهی، بلاغی، بیات، چهارده چریک، چیان، دادبگلو، دهو، دیندارلو، رئیس بیگلو، زرند، قلی زنگنه، سرکلو، سکر، قورت، قورت بکلو (حسینعلی خان میرپنج قرت بکلو از طرف حسام السلصنه در ۱۲۹۲ حاکم بلوک خشت بوده است)، قره قره، حسین لو، کرائی، گوگ پر.

ایل بهارلو: از ایلات ترکستان قشلاق آنها صحرای ایزدخواست و اطراف داراب این ایل در زمان سلاطین سلجوقی بایران آمده اند و یک طایفه از ایلات ترکمان دشت خوارزم بنام بهارلو معروف است قبلاً بیلاق آنها مرودشت و رامجرد و کمین بوده است. ضابطی این ایل با حاج حسینخان نفر بوده و در این اواخر امیر آقاخان و عبدالحسین و محمدرضاخان و کاظم خان و سلطان ابراهیم خان ریاست ایل را بعهدده داشتند. مهندس منوچهر بهارلو که از طرف مردم داراب در دوره بیست و چهارم (فعلی) بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شده فرزند سلطان ابراهیم خان است (محمدتقی خان نفر و

(بقیه پاورقی از صفحه قبل)

پسران حاج نصراله خان اله قلیخان، مرتضی قلیخان و حسینقلی خان. پسران حاج میرزا علی اکبر خان قوام الملک میرزا محمدخان بیگلربیگی، میرزا فتحعلی خان صاحبدیوان، میرزا حسنعلی خان نصیرالملک و میرزا علی محمد خان قوام الملک. پسران میرزا محمدخان بیگلربیگی میرزا علی خان بیگلربیگی و میرزا احمد خان مؤیدالملک. پسران میرزا احمدخان مؤیدالملک میرزا محمدخان، محمدتقی خان، میرزا علی خان و میرزا هاشم خان. پسر میرزا فتحعلی خان صاحبدیوان میرزا حسینخان مومتن الملک فرزندانش حسن خان و میرزا علی اکبرخان. پسر میرزا علی محمدخان قوام الملک محمدرضاخان قوام الملک پسرانش حبیب اله خان و میرزا محمدعلی خان. پسران فتح اله خان حاج میرزا عبدالله خان پسرانش محمدصادق خان و ابوالقاسم خان مستوفی. پسر دیگر فتح اله خان حاج میرزا مهدی خان پسرش هدایت اله خان. آقا محمدزمان پسر حاج هاشم خان فرزندانش محمدصالح خان، حاج محمدصادقخان، حاج محمدیوسفخان و آقا محمد نبی خان. محمد علی خان پسر حاج هاشم خان پسرش حیدرعلی خان فرزندانش میرزا محمدعلی خان ناظم الملک و حاج میرزا مهدی خان. پسران حاج میرزا مهدی خان حاج میرزا آقاخان عزالملک، حاج فتحعلی خان وکیل الملک (حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله وزیر فتحعلی شاه بوده برادرش عبدالرحیم خان حاکم اصفهان و برادر دیگرش محمدحسینخان والی کهگیلویه و آقا محمد زمان کلانتر شیراز و فرزندان حاج ابراهیم میرزا محمدخان بیگلربیگی فارس و اسداله خان حاکم بروجرد و لرستان بوده اند).

فرزند حبیب اله خان قوام الملک ابراهیم خان قوام الملک که در دوره های ۶ و ۷ و ۸ نماینده مجلس شورای ملی و مدتی استاندار فارس بود. فرزندانش علی قوام (علی محمد) نماینده دوره نوزدهم مجلس و محمدرضا قوام فرماندار کل همدان و استاندار کردستان بود. علی قوام با والاحضرت اشرف پهلوی ازدواج نموده و فرزندى بنام والاگهر شهرام دارد.

پسرش علی اکبرخان انجم (شاعر) و حسین خان بهارلو نیز ریاست ایل بهارلو را عهده دار بوده اند) تیره های ایل بهارلو عبارتند از: ابراهیم خانی، احمدلو، اسمعیل خانی، بربر، تلکه، جامه بزرگی، جرقه، جوقه، حاجی تارلو (حاجی عطارلو)، حیدرلو، رسول خانی، سکز، صفی خانی، عیسی بیگلو، کریم لو، کلاه پوشی، مشهدلو، نظریگ لو، ورته.

ایل عرب: از اعراب نجد و عمان و یمامه عربستانند که در زمان خلفای بنی امیه و بنی عباس و بلکه از صدر دولت اسلام بفارس آمده اند قشلاق آنها رودان و احمدی و بیلاق آنها بوانات و قنقری است. این ایل از دو قسمت است بنام عرب شیبانی و عرب جباره یا کوچی. هر یک از این دو قسمت تیره های مختلف دارند که دارای رئیس مستقل میباشند و از رؤسای معروف آنها باید سرهنگ فرج اله خان و محمد حسینخان و عباسقلی خان و اسداله خان عرب شیبانی را نام برد (عباسقلی خان در دوره های ۱۵ و ۱۶ و ۱۸ و ۱۹ از طرف مردم فسا نماینده مجلس شورای ملی بود) و یاور محمدتقی خان و پسرش منوچهرخان و مرحوم خانبازان، عسکرخان، محمدخان غنی و فرزندانش حبیب اله خان و منوچهرخان معتضدی و علی آقای شهاب پدر اعظم شهابی کلانتر عرب درازی و صیادخان شیری هر یک در سهم خود ریاست ایل عرب را داشتند. میراسماعیل خان و پسرش میر مهدی خان و پسرش میرسلیم خان و پسرش آقاخان و پسرش عباس خان و پسرش علی قلی خان و رضاقلیخان سرتیپ عرب نیز سابقاً رئیس این ایل بوده اند. نام تیره های عرب شیبانی عبارتند از: پاپتی، تکریتی، ابوالحسنی، اردال، پلنگی، الوانی، بنی عبداللهی، تغلبه، حمالی، حسانی، چهاربنیچه، عبدالیوسفی و ملی شاهی و فارسی و کتی شیبانی، سنوده، صباحی، حیاتی، شاه سواری، عمادی، کریچه، مهار، خوشنامی، صنعانی، غلامشاهی، ابوالحاجی.

نام تیره های عرب جباره یا کوچی: ال سعدی، ابوالغنی، پیرسلامی، ابوالمحمدی، چهاربنیچه بربر و بزسرخ و جلوداری و لر، بهلولی، جابری، اریز، تاتی، ابوالحسینی، تربر، ابوالشرف، جاهکی، حنائی، درازی، سادات حسینی، شیری، لوردان، عزیز، قرائی، مزیدی، صفری، قره غانی، شاهی سیون، عیسائی، قنبری، نقدعلی، شیبانی میباشد.

ایل باصری: این ایل از ایلات خمسه لهجه آنان فارسی و بعضی از طوایف آن هم ترک زبان میباشند. ریاست ایل سابقاً با ایل عرب بعهده میر مهدی خان عرب شیبانی و پسرش میر شفیع خان و پسر میر شفیع خان میر رفیع خان و بعد از او پسرش محمد تقی خان و او چهار پسر داشته بنام احمدخان و علی خان و محمدخان و محمودخان که کلانتری ایل باصری بعد از محمد تقی خان به محمودخان میرسد (محمودخان پسر بنام محمد صادقخان داشته که در فوج عرب یاور بوده است). اخیراً حاج محمدخان پسر قنبرخان پسر محمدخان و بعد از حاج محمدخان پسرش پرویزخان و بعد از پرویزخان محمدخان ضرغامی ریاست ایل باصری را عهده دار است. محمدخان برادرانی بنام حسنعلی خان و امیر حسین خان، فرج اله خان و شاپور خان دارد. حاج محمدخان فرزندانی بنام مشهدی ایازخان، نوروزعلی خان، محمدحسین خان، کربلائی محمدرضاخان و علی دادخان دارد. بیلاق ایل باصری احمدآباد و نصرآباد و سیربانو و دردانه و طرناز سرحد چهاردانگه و قشلاق آنها جویم و بنا رویه و هرم و کاریان و اطراف جهرم و خضر میباشد.

تیره های باصری: عبارتند علی قنبری (علی میرزائی)، ویسی، شکاری و چهاربنیچه حسین احمدی و میری و صالحی و قوقی، باصری. ویسی نیز به چند تیره تقسیم میشوند که عبارت است از عبدلی (عبداللهی)، کلمه ای، جوچین، ظهراپی،

پورچه ای، اله قلی، علی شاه قلی، حنائی، لبوموسی، فرهادی، فرهادی بهمنی. محمدخان ضرغامی مردی است شجاع و متهور علاقمند و متبحر در امور کشاورزی و درختکاری و فرزندانش پرویز و فرهاد و بهرام میباشند.

ایل نقر: این ایل نیز از ایلات خمه و از ترکستان بایران آمده اند مرکز آنها اطراف لارستان میباشد. ضابطی ایل بهارلو و نفر تواماً بعهدہ حاج حسینخان نفر و بعداً هم بترتیب محمدتقی خان و علی اکبرخان انجم (شاعر) و محمد حسن خان و اعقاب آنها ریاست ایل را عهده دار بوده اند.

تیره های نفر عبارتند از باده کی، قائم لو، چنگری، دولوخانلو، زمان خانلو، ستارلو، سنجلو، شولی، جن عراقی، قادلو، قبادخانلو، قره باجغلو، قیدرلو و لر.

باری ضابطی خوانین ایبوردی (ابوالوردی) به ایل اینانلو موجبی بود که اسامی طوایف خمه را نیز از لحاظ اطلاع خوانندگان ذکر نمائیم. و اما از ایلات ایبوردی هم آن قسمت که از سواران و کارگذاران و خویشاوندان قباخ قلیخان والی فارس بوده و ضابطی ایل اینانلو هم همانطوریکه قبلاً گفته شد از زمان صفویه با خوانین این ایل بوده. لذا این قسمت از ایل ایبوردی برای بیلاق به سرحد چهار دانگه یعنی حدود حسن آباد، آسپاس، لاله گون اوجان میرفته اند و در زمستان در قسمت شمالی شهر شیراز دامنه کوه باباکوهی نزدیک باغ اناری (باغناری) و باغ ارم بصورت چادرنشینی زندگی میکرده اند و سران آنها در نزد ضابط ایل اینانلو و با حکومت که در شهر شیراز سکونت داشته بسر میبرده اند که با او برای همکاری و اجرای احکام در تماس مستقیم باشند و تقریباً در دستگاه ایلخانی سمت مشاور داشته اند. حتی حاج قهرمانخان ایلخانی ایل اینانلو که از نواده های بابا علی بیگ و قباخ قلیخان بوده و در محله اسحق بیگ دارای خانه شخصی و سکونت داشته برای اینکه بیشتر با خانواده های ایل ایبوردی نزدیک شده و همکاری داشته باشد و از قدرت ایلی آنان استفاده نماید دختر خود ماه نسا خانم را بعقد ازدواج ملا عبدالله پسر کریم آقا پسر برخوردار بیرون آورده و دختر ملا عبدالله و ماه نسا خانم بنام خورشیدخانم را به مشهدی حبیب اله پسر حاج عبدالله (جد نگارنده) میدهد و قسمتی از ایل ایبوردی هستند که اکثراً هنوز هم چادرنشین و بیلاق و قشلاق مینمایند **برای آن خانوارهایی که زمستان نزدیک باغناری و باغ ارم در چادر زندگی میکرده اند در سال ۱۲۹۳ هجری قمری مرحوم معتمدالدوله فرهاد میرزا والی فارس محل فعلی را تعیین و آنها را در اینجا یعنی ایبورد شیراز سکونت میدهد و باصطلاح این محل را تیول آنان مینماید که مندرجاً هر فامیل برای خود خانه و مسکن بنا مینمایند.**

و بدنیست بدانید که اولین بنیان محل ایبورد شیراز بوسیله فامیل سامی وند و توسط افرادی مانند حاج نورعلی خان سلطان، حاج اسدیگ، آقاجان (محمد وکیل باشی) و حاج خیرعلی پدر پیرمراد گذارده شده که بعداً سایر فامیل ها نیز بآنان تاسی نموده و تا حال که ایبورد را بصورت فعلی در میآورند و محلی با صفا و باغاتی خوب در اینجا بوجود میآورند افسوس و هزاران افسوس که بقول مرحوم فرج اله محمد آقائی ایبوردی این محل در قسمت شمال به تپه ها و در جنوب به رودخانه خشک محدود میشود و محلی برای فعالیت زراعتی و ایجاد باغات بیشتری وجود نداشته (و اما بهتر که باغاتی بیش از این بوجود نیامده والا در عصر مادیات که همه چیز فدای پول شده اگر باغاتی هم احداث میشد با دست ارباب بیمروت دنیا و با تیغ و تبر درختان آنرا هر قدر هم که کهن و سرسبز میبود قطع و تفکیک و به خانه هائی کوچک تبدیل مینمودند) در هر حال چون ساکنین این محل قبل از ساختمان آن بصورت چادرنشینی و در نزدیک باغناری ساکن بوده اند بهمین جهت هم اکنون هم بعضی ها آنرا بنام ابوالوردی باغناری و یا ایبورد باغناری مینامند.

تیره های چادر نشین ایبوردی تا اوایل سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر مالیات دیوانی خود را بر حسب معمول به خوانین خود میپرداختند که آنها هم جزو جمع دولت مینمودند و بصندوق مالیه (دارائی) میپرداختند (اخیراً میرزا محمودخان پسر محمدعلیخان برادرزاده و داماد مرحوم علیمحمدخان ضیاءالدیوان منشی ایالتی فارس که خود رئیس اعتبارات دارائی بودند و کار وصول و ایصال مالیات این ایل را بعهدہ داشتند و تیره های قورت ایبوردی هم نسبت به علی قلی خان نوه قباخ قلیحان و پسرش محمدصادقخان وفادار مانده و مالیات خود را باین پدر و پسر میپرداخته اند) باین معنی که مالیات طایفه را بدارائی سند میدادند و پس از وصول آنچه را که اضافه بر میزان سند وصول کرده بودند بنام حقوق ضابطی خود و کارگذاران بر میداشتند و بقیه را بصندوق دارائی (مالیه) میپرداختند. وصول مالیات این تیره ها که عبارت بودند از سلمانی، اژدهاکش، کمندی، تمبوئی، چلبی، گردانی، جواخوری، قره جلی. بعداً بموجب نامه ای که عیناً در اینجا مفاد آن ذکر میشود

(وزارت مالیه، اداره مالیه ایالتی فارس نمره ۱ تاریخ ۴ ماه ۱۳۱۰ آقای اسمعیل خان قشقائی سردار عشایر، در تعقیب مراسله ۵۶۱۶-۹/۱۲/۱۱ موضوع مالیات طوایف ابوالوردی که در طوایف قشقائی متفرق و با آنها بیلاق و قشلاق مینمایند استحضار میدهد، تاکنون که سوم فروردین ۱۳۱۰ است آقای ملک منصور خان ایلخانی کدخدا و کلانتران طوایف مذکوره را برای تصفیه بده مالیاتی خودشان باداره مالیه ولایتی شیراز بفرستاده مجدداً تمنا دارد اکیداً دستور فرمائید که به کلانتران و کدخدایان طوایف مذکوره برای پرداخت مالیات سنه ۱۳۰۹ تعقیب نمایند که محتاج به اقدام دیگری که موجب زحمت شود نشود.

رئیس مالیه ولایتی شیراز خسروانی)

بوسیله خوانین قشقائی صورت میگیرد و چون با کشکولی ها در بیلاق و قشلاق همجوار بوده اند متدرجاً جزو جمع کلانتران کشکولی میشوند. دو تیره دیگر از ایل ایبوردی نیز که بعداً بنام طوایف حیدرخانی و امان اله خانی مشهور میگرددند در ایل دره شوری قشقائی میباشند لهجه و آراب و رسوم آنها عیناً مثل درشوریهاست و چون کدخدای آنان حیدرخان و امان اله خان میباشد باین نامها معروف شده اند ولی تیره هائی که با کشکولیها همجواریند بهمان لهجه و آداب و رسوم ایبوردی باقی هستند و با ایبوردیهای ساکن شیراز مواصلت و خویشاوندی و جوشش دارند. کدخدائی تیره سلمانی فعلاً بعهدہ زالی خان پسر حاج بابا و هوشنگ پسر ملا علی بابا میباشد کدخدائی تیره کمندی بعهدہ سرتیب پسر نامدار است و کدخدائی چلبی ها بعهدہ کیخاحیدر پسر ذوالفقار پسر کیخا خیرات و کدخدائی تیره گردانی را اسداله پسر ملا فتح اله بعهدہ دارند.

قشلاق این تیره ها بام جنگاه و ماهور و مهلاطون و ملاره و احمدآباد پل ابگینه کازرون و ئیلاق آنها خرک و چرمکان و چهل چشمه، بن رود، زنگنه و زنیان و دشت ارژن است در بلوک شاپور کازرون و آب کنار و آب پرده و کودیان و گچ نقاشی نیز زراعی و باغات دارند.

تیره های سلمانی بابائی و یاری بیگی ئیلاق آنها سرحد چهاردانگه، اسپاس، حسن آباد، چشمه دزان، و قشلاق آنها جره و فامور و فراشبند و خوراب و هنگام و دهرم است. کدخدائی یاری بیگی بعده اولاد یاری بیگی (شیروان پسر ساری بیگی)

میباشد. اشخاص معروف این تیره ها جانی خان، مشهدی قباد، کربلائی داراب، یداله بیگ پسر محمد، حاج امیر و زالی بیگ و همراه و بابر است یاری و میرزا در ایبوردی بشجاعت معروف بوده اند.

تیره های دیگری از ایبوردی بنام شیرازی و پاشائی هستند که قشلاق آنها حدود علی آباد خفر، محمودآباد و سروستان و بیلاق آنها مرودشت و رامجرد است. کدخدائی تیره شیرازی بعهدہ اولاد عباس بیگ و قیطاس بیگ بنامهای صمدآقا (فوت نموده است)، حسین آقا، حسن آقا، محمدآقا و کدخدائی تیره پاشائی (حسینعلی بیگی) بعهدہ اولاد زکی خان و محمودبیگ بنامهای پاشاخان و حسینقلی خان بوده پنجعلی پاشائی پسر زکی خان بیگ عضو بازنشسته دارائی مردی مطلع و باسواد و اخیراً موفق به جمع آوری اشعار ترکی شده تا بچاپ برساند. باید گفت این پنجعلی بنام همان پنجعلی معروف موسوم شده که در حق او گفته اند:

گر گین شش بلوکی و خوریادوپنجعلی
چوپان بخواب غفلت و گرگان رها شدند
ماران خود را سر و گردن نکوفتند
خوردند یکدگر بمرور اژدها شدند

شغل ایبوردیهای چادر نشین اکثراً زراعت و دامداری است و از صنعت قالی و گلیم و جاجیم بافی نیز بهره کافی داشته قالی و جاجیم آنها معروف است و مخصوصاً طوایف سلمانی و اژدها کش بر اسلوب قالی های کشکولی قالی بافی مینمایند. طایفه قورت از ایبوردیها در ایل شش بلوکی با آنها همجوار و در پرکه چهاردانگه علاقه دارند. کدخدای این طایفه حاجی امیر و از اشخاص متمول و معتبر و معروف است.

طایفه توللی از طوایف معتبر و مهم ایبوردی بوده فعلاً چند خانواری از آنها باقی مانده که در جره و فامور هستند. علاقجات ملکی و احشام آقایان جوادخان و مصطفی خان قهرمانی سپرده آنهاست. توللی های ساکن شیراز از نژاد ایبوردی و جلال خان صندوقدار قوام الملک و حاجی حسین خان برادرش از اشخاص محترم و معروف این فامیل میباشند. شاعر ارزنده و شهیر و با قریحه معاصر صاحب مصنفات التفصیل پویه، نافه، رها و صدها غزلیات شیرین یعنی فریدون توللی فرزند جلال خان توللی است. جلال خان فرزندی بنام مهندس سیاوش دارد.

در هر حال بحکم اقتضای زمان و گردش دوران هر یک از تیره ها و طوایف ایل ایبوردی در محلی سکونت اختیار نموده و متفرق شده اند. بخدمت دولت، زراعت، دامداری، بازرگانی، پیشه وری، صنعت اشتغال ورزیده اند. اطلاع از اوضاع و احوال و جزئیات زندگی آنان پس از سالیان دراز از حوصله این مقال خارج و لذا فعلاً آنچه را که امکان داشته بذکر اطلاعاتی که درباره وضع اجتماع موجود و متمرکز در شیراز کسب شده اکتفا مینمائیم و توجه علاقمندان را بدان جلب میکنیم.